

ایسکرا ۵۰۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

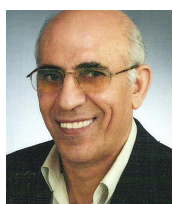
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهار شنبه ها منتشر میشود

۲۳ دی ۱۳۸۸، ۱۳ ژانویه ۲۰۱۰

Iskraa_nkk@yahoo.com

سردبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان



محمد امین کمانگر

گفتگوی تلفنی فرزاد کمانگر با مادرش و پیام مادرش

به انسانهای شرافتمند و آزادیخواه که در هر کجای
دنیا ساکنند!

امروز دوشنبه ۲۱ دیماه ساعت ۱۰ صبح بوقت ایران فرزاد کمانگر با خانواده اش تماس گرفت. در اینجا متن کوتاهی از این گفتگو را به اطلاع شما میرسانم. فرزاد: سلام مادر امیدوارم سرحال باشید، مادر جان سرحال
مثل همیشه
مادر فرزاد: آری عزیزم من بسیار سر حال هستم به وجودت افتخار می کنم باور کن مثل همیشه من سر حال هستم.
فرزاد: مادر از بچه ها چه خبر؟
صفحه ۲



محمد آسنگران

حزب دمکرات کردستان برای مذاکره با جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرد مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران بخش دوم

مردم کرد حکومتهای مرکزی را به قدرت ننشانده اند که اکنون بخواهند آنها را سرنگون کنند!؟ آیا این چرخشی در سیاست ناسیونالیسم کرد است؟

صفحه ۳

میپردازیم .
در شماره قبلی ایسکرا بخش اول این مصاحبه چاپ شد اکنون بخش دوم سوالات ایسکرا و پاسخهای محمد آسنگران را میخوانید:
ایسکرا: خالد عزیزی میگوید

خالد عزیزی رهبر حزب دمکرات در يك مصاحبه با هفته نامه "روداو" به زبان کردی سیاستها و مواضعی را مطرح کرده است میتوان گفت متفاوت با برخی از سیاستهای تا کنونی حزب دمکرات است. به بررسی این مصاحبه با محمد آسنگران

اعلام تشکیل کانون دور انداختن حجاب اجباری!

صفحه ۶

پیام مینا احدی به مناسبت روز جهانی زن: حجابها را پرت کنید و بنیان حکومت اسلامی را بسوزانید!

زنان و مردان آزاده!
در ایران يك انقلاب عظیم علیه قوانین و سنتهای قرون وسطایی و علیه يك حکومت جنایتکار و ضد انسانی در جریان است. يك جنبه درخشان این مبارزات و این انقلاب اعتراض به زن ستیزی عریان و مشتمز کننده اسلامی است.
زنان در این انقلاب چیزی بجز زنجیرهایشان را از دست نمی دهند. و بهمین دلیل است که در صف اول
صفحه ۵

به مادران و پدران که فرزندشان در خطر اعدام هست

به والدینی که عزیزان آنها اسیر حکومت اسلامی هستند!

حکومتی و اخبار به سلول مرگ فرستادن عزیزان شما را تعقیب میکنند و نگران جان و امنیت آنها هستند.
ما مشغول فعالیت هستیم و من به عینه می بینم که دولتهای غربی، کوچکترین اهمیتی به این

صفحه ۲

در این روزهای سخت و هراس انگیز، ما را در کنار خود بدانید. به همراه شما هزاران و میلیونها نفر نگران خطر شکنجه شدن و تجاوز به فرزندان شما، نگران اعدام شدن فرزندان شما هستند. هزاران نفر اخبار دادگاههای فرمایشی

هراس و رنج شما نداده و در مقابل قتل عمد عزیزان شما که روزانه در ایران اتفاق میافتد، خم به ابرو نمی آورند. از آنها برای نجات جان عزیزان شما، امید زیادی نیست.

اعتصاب موفقیت آمیز کارگران نیروگاه برق سنندج

صفحه ۴

گفتگوی تلفنی فرزند کمانگر با ...

از صفحه ۱

(شاگردان مدرسه اش)، چه می گویند، چه می کنند؟ تلویزیونها چه می گویند؟ جواب مادر به این سوالات کوتاه است و تلفن قطع می شود.

بعد مادر فرزند چنین ادامه داد، حتما سلام مرا به مینا احدى برسانید بگوئید که پیامی به همه مادران و خواهرانی که عزیزانشان را از دست داده اند و به مادرانی که عزیزانشان مثل من گرفتار این بلا شده و در زندان هستند بدهد که خودمان برای این عزیزانمان کاری بکنیم.

بعد ادامه می دهد: تمام جوانانی که اعدام شدند و دارند اعدام می شوند و یا آنهایی که هم

اکنون در زندانها هستند همه برادران و خواهران من و فرزندان من هستند همچنانکه فرزند فقط فرزند من نیست. من بارها این را اعلام کرده ام و فرزند همه مردم است. انسانها با هم فرق ندارند چه فارس، چه کرد، چه عرب یا ترک همه انسان هستند و آزادی و حرمت می خواهند، ولی با چه کسی باید صحبت کرد، کجا، چگونه؟

پیام من به مادرانی که مثل من هستند این است: خواهران خویم و دختران عزیزم، هر کجا هستیم با هر ایده و فکر و مرامی، باید دست در دست هم بگذاریم، از همدیگر خبر داشته باشیم و

متحدانه اعتراض کنیم. یکپارچه بلند شویم مگر چکارمان می کنند، اعدام؟ بله. بگذار اعدام شویم تا دیگر مرگ این جوانان را نبینیم. مادران عزیز تو را بخدا همه با هم دست در دست هم نهمیم تا عزیزانمان را آزاد کنیم. من می دانم این آقایان همین حالا همه حرفهای مرا گوش میدهند، اما بگذار این حرفها را بشنوند. بگذار مرا اعدام کنند. من خودم، خودم را آتش می زنم. مگر اینها نمی دانند که سرنوشت شاه چه شد، مگر عاقبت صدام حسین را ندیدند. پس نگذارند که به این روز برسند.

مگر این جوانان چه می خواهند غیر از آزادی. فرزند چه گناهی دارد غیر از آزادیخواهی. الان چهار سال است که در زندان به سر می برد. این اواخر و کیلش چند بار خواسته که پرونده اش را نگاه

کند به او گفته اند که پرونده اش گم شده است. و کیلش بخاطر مسئله فرزند و دهها فرزند دیگر سخته کرده و در بیمارستان بستری است.

ما که دستانمان به جایی بند نیست، اما از شماها، از سازمان حقوق بشر، از احزاب و سازمانهای انسان دوست، و انسانیهایی که برای حرمت بشر مبارزه می کنند خواهش می کنم، وضع خیلی خطرناک است هر روزه دارند جوانان را به دار می کشند. هر کسی هر چه از دستش بر می آید کوتاهی نکند، نگذارید که این جوانان دسته دسته اعدام شوند. شما از ظرف من و کیل هستی این پیام مرا در همه جای دنیا پخش کنید.

این پیام مادر فرزند کمانگر است. پیامش شجاعانه و صریح و

روشن است. به فراخوانش گوش دهید. روی صحبت من همه مردم شریف و آزادیخواه در هر کجا که هستند و بویژه مردم شریف کامیاران هستند که قبل از اینکه دیر شود به یاری مادر فرزند و عزیزان در بندمان بشتابید. آنها را تنها نگذارید. دست به تجمع بزنید، راهپیمائی کنید و مطمئن باشید که عده زیادی به شما خواهند پیوست. نباید اجازه دهیم که فرزند و دیگر زندانیان را اعدام کنند. میتوانیم جلویشان را بگیریم. حکومت در بحران دست و پا میزند و وحشت سراپای رهبرانش را گرفته است. این فرصت را نباید از دست بدهیم. بلند شوید و بگوئید اعدام فرزند و سایرین باید فوراً لغو شود، فرزند و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

زنده باد انسانیت

پرونده کهریزک تا سرنگونی ...

از صفحه ۵

بالغ بر دهها نفر میشود که با نام و نشان شناخته شده اند. اجازه نخواهیم داد که جمهوری اسلامی از زیر این جنایات در برود. ما مردم میدانیم که کهریزک تنها یکی از دهها شکنجه گاه جمهوری اسلامی است. ما مردم میدانیم که هم اکنون هزاران نفر از فرزندانمان به جرم تظاهرات و آزادیخواهی در اوین و گوهر دشت و عشرت آباد و

زندانها و شکنجه گاههای متعدد وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی و نهادهای منفور دیگر زیر فشار وحشیانه هستند. کهریزک سمبل همه زندانهای جمهوری اسلامی و کل سیستم ضد انسانی قضائی و انتظامی و حقوقی این حکومت است. کهریزک را بر سر این حکومت خراب خواهیم کرد. یاد تک تک قربانیان این حکومت را با

شکوه تمام گرامی خواهیم داشت. جلدان و در راس آنها شخص ولی فقیه شان را به محاکمه خواهیم کشید. همه زندانیان سیاسی و همه دستگیر شدگان تظاهراتها باید فوراً آزاد شوند. پرونده جنایات در همه زندانها باید گشوده شود. تمام افرادی که مستقیم و غیر مستقیم در شکنجه و دستگیری و تجاوز و جنایت دست داشته اند باید معرفی و محاکمه شوند. این یکی از هدف های فوری ما مردم است. مبارزه و انقلاب ما یک پایه و محور اساسی آزادی مخالفت

کردن، آزادی بی قید و شرط بیان، آزادی تجمع و تظاهرات است. انقلاب ما یک پایه اساسی اینست که دیگر هیچگاه در این مملکت زندانی سیاسی و زندانهای سیاسی وجود نداشته باشد. ما جمهوری اسلامی را به غلط کردن انداخته ایم و تمام این اهداف را هم نه بعنوان خواستههایی از حکومت منفور جمهوری اسلامی، بلکه بعنوان فرمان انقلاب اعلام و عملی خواهیم کرد. حکومت سرکوبگران و شکنجه گران و قاتلان را به زیر میکشیم و تمام سران و دست

اندرکارانش را به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای مردمی و علنی و منصفانه به محاکمه خواهیم کشید. آن روز دور نیست.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی برابری حکومت
انسانی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دی ۱۳۸۸ - ۱۳ ژانویه
۲۰۱۰

به مادران و پدران که

فرزندشان در ...

از صفحه ۱

اگر امیدی هست، امید خود شما مردم آزاده و همه انساندوستان در دنیا هستند. اعتراض همه مردم در ایران و در دنیا تنها روزنه امید نجات عزیزان شما است. در این روزهای سخت و هراس انگیز، که ماشین سلاخی حکومت اسلامی تندتر کار میکند، فراخوان من به ایرانیان در خارج از کشور اینست که هر یک از ما باید تصور کند، خودش در موقعیت دشواری است که الان مادران اعدامیها هستند. ما باید

بتوانیم خودمان را جای شما بگذاریم. اعزام جگر گوشه هایمان به سلول مرگ و لحظه شماری برای قتل این عزیزان به دست مشتکی جلا و جنایتکار سنگدل. همه ما موظفیم به یاری شما شتافته و در این روزهای همبستگی مبارزاتی، بیش از پیش، شما را یاری دهیم. ما باید متحدانه تر و همبسته تر به جنایات حکومت اسلامی اعتراض کنیم، ما باید گسترده تر و وسیع تر از قبل، عرصه را بر رژیم اسلامی

تنگ کنیم. در عین حال از شما مادران و پدران که عزیزان اتان در خطر اعدام هستند، دعوت میکنیم که بهر طریق ممکن به این اعدامها اعتراض کنید. از سیاهی بالاتر رنگی نیست، در مقابل در زندانها تحصن کنید، در خیابانها تجمع کنید و از مردم دعوت کنید به شما بپیوندند. مشروع ترین و انسانی ترین اعتراض، اعتراض مادران و پدران است که عزیزان آنها در سلول مرگ منتظر اجرای حکم اعدام هستند. مطمئن باشید مردم در ابعاد هزاران نفره به شما ملحق میشوند. قبل از اینکه فاجعه اتفاق بیفتد، باید به حرکت در آمد و موجی از اعتراض را در چهار گوشه

ایران دامن زد. هیچ راه دیگری نیست، جز اعتراض متحدانه ما، جز تجمعات و اعتراضی گسترده ما در ایران و دردنیایا. نمی شود مادران زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در کردستان، که هر روز جسد یک عزیزشان را تحویل میدهند، دسته جمعی به حرکت در آمده و از مردم دعوت کنند به آنها ملحق شوند؟ این بار فرزند کمانگر و حبیب لطفی را میخواهند اعدام کنند. از خانواده های این دو فعال سیاسی و از مردمی که اینها را می شناسند دعوت میکنم، فوراً دست به کار شده و اعتراض کنند، لحظه ای را نباید از دست داد. ما تجربه داریم، ما دیدیم که جلدان چگونه سبعمانه

احسان را کشتند، بهنود شجاعی و دلارا دارابی را کشتند، چگونه مصلح زمانی را کشتند و این لیست بلند بالا است...

به پا خیزیم و نگذاریم فرزند کمانگر معلم آزاده و شجاع و انساندوست و لطیف حبیبی دانشجوی مدافع حقوق انسان و فعال سیاسی را بکشند. ما وظیفه داریم کاری بکنیم. این بار متحدانه تر، همبسته تر و گسترده تر.

پیش به سوی نجات فرزند و حبیب از دست جلدان.

مینا احدى
۱۱ ژانویه ۲۰۱۰
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

حزب دمکرات کردستان برای مذاکره ... از صفحه ۱

محمد آسنگران: ببینید احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد با همه تنوع حزبی شان یک سیاست جا افتاده مشترک دارند، آنهم نان به نرخ روز خوردن است. اینها هم جریانات سرنگونی طلب هستند هم جریاناتی هستند که به اقتضای زمان سیاستشان را تغییر میدهند و همراه و هم جهت دولتهای دیکتاتور و سرکوبگر میشوند. تاریخ این جریانات پر است از فرصت طلبی و کله ملق زدن در سیاست و اتخاذ تاکتیک، دلیلش هم تنها نادانی آنها نیست، بلکه ماهیت این جریانات این چنین است. ضربالمثلی که میگوید "نیش عقرب نه از ره کینه است اقتضای طبیعتش این است"، مصداق حال این جریانات است. اگر به تاریخ جنگ و آشتی ملا مصطفی بارزانی و جلال طالبانی با صدام حسین نگاه کنید و یا به سیاستهای متناقض قاسملو و قاضی محمد در مورد مناسباتشان با رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی نظری بیافکنید و یا هم اکنون سیاستهای جنگ و آشتی پ.ک.ک. با ترکیه را نگاه کنید، همین تصویر را میگیرید که اکنون حزب دمکرات از خود میدهد.

هستند این نوع استدلال به جوک شبیه است تا سیاست.

ایسکرا: ایشان از تعادل قوا حرف میزنند ولی تعادل قوای مردم با حکومت را نمی بینند و اصلاً فاکتور مبارزات مردم در ایران را نمی بینند آیا این از فرط ناسیونالیست بودن است و یا تحلیل غلط از اوضاع؟

محمد آسنگران: به بنظر میرسد این نوع استدلال بیشتر از سرگردانی و حاشیه‌ای بودن این جریان سرچشمه گرفته است نه از تحلیل غلط و یا حتی از فرط ناسیونالیست بودن، اما از این مهمتر چنین سیاست و تحلیلی برای سیگنال فرستادن به اصلاح طلبان حکومتی بیان می شود که مرتب اعتراضات رادیکال و سرنگونی طلبانه مردم را با خشونت طلبی معنی میکنند و مدعی هستند که در شرایط فعلی باید رفرم در جمهوری اسلامی را دنبال کنند و نه سرنگونی آنها، خالد عزیزی هم دارد میگوید همراه و هماهنگ با جریانات اصلاح طلب حکومتی به دنبال جمهوری اسلامی اصلاح شده است.

ایسکرا: تا چه حد این سیاست تحت تاثیر سیاستها و فعالیتهای پ.ک.ک. در ترکیه است؟ تا چه حد به اوضاع در ایران برمیگردد؟

محمد آسنگران: فکر نکنم این سیاستها تحت تاثیر موقعیت پ.ک.ک. اتخاذ شده باشد زیرا خود پ.ک.ک. در موقعیت سرگردانی بسر میبرد و دستاوردی نداشته است که حزب دمکرات بخواهد از آن متأثر باشد. اما اوضاع سیاسی ایران در جهتی پیش می رود که همه جریانات بورژوازی را به تکاپو انداخته است. به نظر میرسد که همه جریانات اسلامی و ناسیونالیستی به نوعی به دست و پا افتاده اند که در مقابل رادیکالیسم سیاسی جنبش توده‌ای

در ایران بایستند و آنها مهار کنند. این کاری است که حزب دمکرات کردستان هم در دستور خود گذاشته است. اما سرگردانی و بی‌افقی این جریانات قومی در ایران یک دلیل دیگری هم دارد و آن اینکه در چند سال گذشته هر سیاستی را اتخاذ کرده اند با شکست مواجه شده اند. فلسفه وجودیشان هم با زندگی و خواست اکثریت مردم تحت ستم در تناقض است. بنابر این اکنون که مردم عزم جزم کرده اند که از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند و دورنمای رشد جریانات چپ و کمونیست بیش از همیشه عیان شده است همه جریانات راست را نگران کرده است و سیاست آنها متأثر از این موقعیت پیش آمده است.

ایسکرا: در این مصاحبه عزیزی گفته است اگر لازم باشد حاضر است اسم حزیش را هم عوض کند، یعنی همان کاری که پ.ک.ک. در ترکیه انجام داده است. آیا این سیاست میتواند این جریانات را از بن بست نجات دهد؟

محمد آسنگران: ظاهراً این رهبر تازه به دوران رسیده حزب دمکرات برای رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی و حفظ کلیت یا اصلاح شده آن حاضر به قبول هر خفت و خواری هست. اما تجربه تا کنونی و منطق سیاست در ایران اینها باز هم سرشان به سنگ میخورد و ضعیفتر و حاشیه‌ای تر خواهند شد. در ضمن کاری که پ.ک.ک. در ترکیه انجام داد عاقبت چندان خوبی نداشت که اکنون حزب دمکرات بخواهد آنها پی بگیرد.

ایسکرا: در این مصاحبه در مورد رابطه با آمریکا و نشست بامقاماتی از آمریکا صحبت شده و عزیزی میگوید آنها کمتر به قومیت و فدرالیسم و ... توجه دارند و از حق شهروندی حرف میزنند و ... آیا سیاست آمریکا عوض شده است؟

محمد آسنگران: به قول خود عزیزی آمریکا به دنبال منافع خودش است. قبلاً و در دوران بوش

اینها با سر به طرف سیاستهای بوش در منطقه رفتند، شکست سیاست بوش هم در آمریکا و هم در منطقه سرخوردگی عمیقی برای همه این جریانات به دنبال داشت. اکنون که اوپاما به نوع دیگری سیاست منطقه ای و جهانی آمریکا را پیش میبرد، اینها امیدوی به بحران سازی در مرزها ندارند اما برایشان افتخار است که با یک مقام دست چندم آمریکایی نشست و برخاست داشته باشند. آنچه در این مصاحبه و در کل سیاستهای جریانات ناسیونالیستی مشاهده نمیشود این است که مردم چه میخواهند و مطالبات مردم چیست. بنابر این مردم راه خود را میروند و این جریانات هم راه دیگری که در تعارض و تقابل با هم هستند. اتفاقاً اکنون موقعیتی پیش آمده است که جریانات چپ و کمونیست ضمن تاکید بر حقانیت سیاست خود برای رهایی جامعه از تبعیض و نابرابری، مردم را از ماهیت این جریانات بورژوازی و ارتجاعی بیش از پیش آگاه کنند و بیربطی این جریانات به منافع مردم را نشان بدهند. در همین مورد که شما گفتید خالد عزیزی انتظار دارد که آمریکا فدرالیسم را به آنها هدیه بدهد. او هنوز متوجه نیست که موقعیت آمریکا از خیلی وقت پیش متحول شده و دیگر آن نیرویی نیست که بتواند در جهان سیاستش را به رقبایش دیکته کند. و در پرتو آن جریاناتی از نوع حزب دمکرات را با قول و قرارهای خود خوشنود کند.

ایسکرا: خالد عزیزی اخیراً به دلیل این سیاستهایی که بیان کرده است مورد اعتراض تعدادی قرار گرفته و افرادی از حزیش هم در نقد او اعتراض خود را بیان کرده اند، او ناچار شده است مواضع کتبی و اعلام شده خود را توجیه کند. آیا این عقب نشینی او باید به حساب آید یا کم دقتی در بیان سیاستهای حزب دمکرات کردستان؟

محمد آسنگران: خالد عزیزی در مصاحبه دوم با تلویزیون خودشان تلاش کرده است اعتراضات به سیاستهایش را غیر مستقیم جواب بدهد اما چون

نمیتواند مستقیم به آنها بپردازد و استدلالی برای جواب ندارد به توجیه گفته‌های خود پرداخته است مثلاً گفته است شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را از سیاست خود حذف نکرده اند بلکه آنها را راکد گذاشته اند. این عذر از گناه بدتر است. به قول یکی از اعضای حزیشان یک شعار را یا قبول دارند و تبلیغ میکنند و بر آن مبنا سیاست گذاری میکنند یا اینکه آنها حذف و سیاست دیگری را اتخاذ میکنند. راکد گذاشتن یک شعار صیغهای من در آوردی خالد عزیزی است که برای توجیه سیاستی غیر قابل دفاع خود بیان کرده است. او در مورد جواب تحقیر آمیز جمهوری اسلامی گفته است که جواب سرکنسولگری جمهوری اسلامی در اربیل عراق نشان میدهد که آنها هنوز مسأله کرد را جدی نمیگیرند و جوابی برای آن ندارند. انگار از جمهوری اسلامی باید انتظار دیگری داشت. که البته عزیزی با انتظار دیگری سیاست سازش با جمهوری اسلامی را طرح کرده بود اما با جوابی تحقیرآمیز موجه شد.

در پایان باید عرض کنم که مردم کردستان در همین مقاطع دشمنان و دوستان خود را بهتر میشناسند. هنگامیکه جمهوری اسلامی مورد تعرض مردم قرار گرفته و به سراسیمه سقوط افتاده است جریانی غیر مسئول و مرتجع مثل حزب دمکرات به فکر سازش با قاتلین مردم افتاده است. و نه تنها این میگوید شعار سرنگونی این رژیم جانی که قاتل بیش از صد هزار نفر از مردم ایران و هزاران نفر از مردم کردستان است را حذف کرده و نمیخواهند این رژیم را سرنگون کنند و از مردم هم میخواهند که جمهوری اسلامی را سرنگون نکنند. این تقابل آشکاری با منافع مردم و مهر تاییدی بر جنایات این رژیم در تمام طول عمرش است.

همه این سیاستها به منظور شکست انقلاب مردم و جلوگیری از سرنگونی جمهوری اسلامی است. اینها را باید افشا و طرد کرد.

اعتصاب موفقیت آمیز کارگران نیروگاه برق سندج

بنا به خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است روز شنبه ۱۹ دی ماه چهل نفر از کارگران نیروگاه برق سندج دست به اعتصاب زدند و خواهان دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. کارگران این بنا به خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است روز شنبه ۱۹ دی ماه چهل نفر از کارگران نیروگاه برق سندج دست به اعتصاب زدند و خواهان دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. کارگران این

کارگران قاطعانه بر خواست خود پافشاری کردند و در نهایت مسئولین نیروگاه وعده پرداخت دستمزد مهر ماه را به کارگران دادند. کارگران نیز ساعت ۳ بعدازظهر بر سر کارهای خود باز گشتند و روز بعد یکشنبه بیستم دی ماه کارگران اعتصابی نیروگاه برق سندج موفق به دریافت دستمزد مهر ماه خود شدند.

است که می توان دستمزدهای معوقه و دیگر مطالبات خود را از حلقوم مفتخوران اسلامی بیرون بکشیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
دی ۱۳۸۸ - ۱۱ ۲۱
ژانویه ۲۰۱۰

کمیته کردستان حزب این موفقیت را به کارگران نیروگاه برق سندج تبریک می گوید و همه کارگران بخشهای مختلف مراکز کارگری را به اتحاد و همبستگی برای کسب حقوق پایمال شده خود فرا می خواند. اتحاد و همبستگی و قاطعیت کارگران نیروگاه برق سندج نشان داد که تنها با همبستگی و اتحاد

اعلام تشکیل کانون دور انداختن ...

از صفحه ۶

مذهبی صحنه سیاست ایران، این دسته به اصطلاح "روشنفکران" هستند که از انقلاب مشروطیت تا بحال جنبششان ترمینال آمد و شد دیکتاتورهای سیاه در ایران بوده است. کسانی که "امام خمینی" را رهبر خود میدانستند، اما زن معترض متمدن و پیشرو مملکت را "فاسد آمریکایی" خطاب میکردند. اینها کسانی هستند که در طی این سی سال ما هر وقت بلند شدیم از حق و حقوق زن حرف بزنیم، سوت میبصری را از جیب آخوندها بیرون آورده راه افتادند تا ثابت کنند الان نوبت زن نیست! نوبت حمله به حجاب اجباری نیست! نوبت حمله به آپارتاید جنسی نیست! مگر نه اینکه در تفکر و سیاست اینها زن نفر آخر است! اینها در سیاست هم همان کاری را میکنند که موقع گردش در خیابان! همیشه ده قدم جلوتر از زن و فرزندان در

این تاریخ به ته رسیده است! ما معتقدیم دست بر قضا الان نوبت ماست! ما بر خلاف آنها قطب نمای مبارزه خود را بر اساس مزاج آقای خامنه ای و رقابتهای آخوندها در بیت رهبری تعیین نمیکنیم. ما کل این نظام را نمیخواهیم. ما معتقدیم آنها ترسیده اند. کلشان ترسیده اند. علت اینکه حرفهایشان با عریبه کشیهای حکومت در جماران برای عقب راندن تعرض زنان در این اعتراضات به هم چفت میشود این است که با سر رسیدن عمر حکومت، جنبش اصلاح و تعدیل آن نیز مرخص است! باید برود!

- بدون لغو حجاب اجباری به مثابه سمبل خشونت به زن، زیر بار هیچ سناریو و راه حل سیاسی نخواهیم رفت. چون میدانیم که عمر این حکومت به تار موی زنان بند است. ما بر سر لغو حجاب نمیگذاریم حتی یک سانتی متر سازش سیاسی بشود چون بر تارک این حجابهایی که بر

سر زنان ماست خون و رنج و مشقت میلیونها زن و مرد نقش بسته است. تاریخ حجاب اجباری در ایران داستان مقابله خونین چندین نسل در این مملکت است. سی سال رنج نکشیدیم، سی سال کتک نخوردیم، سی سال قربانی ندادیم، سی سال آواره نشدیم که درست سر بزنگای تعیین تکلیف این نظام، در باره سرنوشت یکی از مهمترین سمبلهای حکومت اسلام در مملکت ساکت بنشینیم و نظاره گر خاموش باشیم. ما پرچم آن مبارزه خونین را اکنون اینجا و همین امروز به مرکز تحولات سیاسی ایران می آوریم. ما زیر بار هیچ بهانه و ترفندی برای جانبی کردن و به فراموشی سپردن این مسئله نمیرویم. امروز اعلام میکنیم ما انقلاب نکردیم که باز هم عقب بمانیم!

ما از همه سازش ناپذیران، همه آزادیخواهان، همه برابری طلبان، فعالین حقوق زن، فعالین جنبش ضد مذهبی، فعالین جنبش لغو حجاب اجباری می خواهیم به این کانون ایمیل کنید. عضو این کانون شوید. در راس جنبش حق طلبی زن برای دورانداختن و آتش زدن حجابها دستتان را در دستان ما بگذارید. به ما بپیوندید تا پرچم بدور انداختن و به آتش کشیدن حجاب در مملکت را در ارتفاع بالاتری به اهتزاز در بیاوریم.

آدرس صفحه فیس بوکی کانون دور انداختن حجاب:
<http://www.facebook.com/profile.php?id=&ref=profile#/10000571848789group.php?&ref=mf&v=info>
۲۵۷۹۶۰۴۹۵۸۴۸۹۸۹۸۹
ایمیل تماس:
discard.veil@gmail.com
آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید
مهرنوش موسوی ۱۷ دیماه ۱۳۸۸
ژانویه ۲۰۱۰

مجموعه آثار منصور حکمت را بخوانید!

www.hekmat.public-archive.net
www.wpiran.org

از طریق سایتی زیر به کتاب
یک دنیای بهتر
می توانید دسترسی پیدا کنید.
www.wpiran.org
حزب کمونیست کارگری ایران
آرشيو عمومی منصور حکمت
www.hekmat.public-archive.net

پرونده کهریزک تا سرنگونی حکومت بسته نخواهد شد



معماره بیرونی بار دانشگاه

همینجا يك عقب نشینی و يك غلط كردم از جانب خامنه ای و حکومت سی سال اعدام و شکنجه و جنایت زیر فشار اعتراضات و انقلاب ما مردم است. اما ما مردم به این عقب نشینی ها رضایت نمی دهیم. اینها به شکنجه و قتل و وحشی گری اعتراف کرده اند اما روز ۲۲ دی یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس اسلامی اعلام کرد که "متهمان نیروی انتظامی ۱۲ نفر بودند که به سرعت دادسرای سازمان قضایی نیروهای مسلح به اتهامات آنها رسیدگی کرد." این یعنی تلاش و تقلاي مذبحخانه جمهوری اسلامی برای اینکه مساله را همینجا خاتمه یافته اعلام کند و پرونده کهریزک را

کهریزک را دشمنی با نظام و مستوجب عقوبت خواندند. اما انقلاب ما مردم مجبورشان کرد که قدم به قدم با خفت عقب بنشینند. "کمیسسیون ویژه بررسی بازداشت شدگان کهریزک، قتل سه نفر یعنی محسن روح الامینی، محمد کامرانی و جوادی فر را در زیر شکنجه برسمیت شناخته است. متهم اول کهریزک را دادستان منفور تهران سعید مرتضوی یکی از عزیز دردانه های ولی فقیه اعلام کرده است. به همراه او به اعمال جنایت و شکنجه توسط ۱۲ نفر از دست اندرکاران نیروی انتظامی و شمار دیگری از شکنجه گران قوه قضائیه اعتراف کرده است. این گزارش تا

هفت ماه است که جمهوری اسلامی در زیر فشار جنایاتش در شکنجه گاه مخوف کهریزک دست و پا میزنند. هفت ماه است دارند تلاش میکنند که خود را از زیر فشار این پرونده خلاص کنند. تقلاي بسیاری کردند تا جنایاتشان را کتمان کنند. تلاش زیادی کردند تا توحش و شکنجه و قتل و تجاوزها را به چند مامور بی نام و نشان و دون پایه منتسب کنند و مساله را فیصله یافته اعلام کنند. خامنه ای گفت که در کهریزک به عده ای ظلم شد اما "ظلمی که به نظام شد" قابل مقایسه با "خودسریهای" کهریزک نیست. به شکنجه گرانشان جایزه و ارتقاء درجه دادند. افشاکری از جنایات

سازمان قضائی" و امثال اینها را بهیچوجه نمی پذیریم. ثانیاً، ما مردم میدانیم که ابعاد جنایات وحوش درنده خوی حکومت در کهریزک بسیار وحشیانه تر از آن بود که در گزارش مزبور منعکس شده است. شمار عزیزان مان که در همین شکنجه گاه و در این چند ماه قربانی شدند

ببندد. اما حرف ما مردم اینست که اولاً تا همین حد که به جنایت و شکنجه و وحشی گری اعتراف کرده اید باید سعید مرتضوی و سایر قاتلین و شکنجه گران و آمرین از بالا تا پایین در دادگاههای علنی با حضور هیئتها و خبرنگاران بین المللی محاکمه شوند. مختومه اعلام کردن پرونده با بازی مسخره و کثیف برپایی مخفی "دادسرای

صفحه ۲

پیام مینا احدی به مناسبت

روز جهانی زن...

از صفحه ۱



مینا احدی

مردسالاری!

زنان آزاده ایران!

محکم همه مردم آزاده و زنان برابری طلب به این عقب ماندگی و ارتجاع و دخالت مذهب در زندگی است. این انقلابی است برای رهایی و علیه هر نوع محدودیت و القاب عقب مانده که زنان را در چهارچوب نقش "خواهر" "همسر" و "بانو" و انسانی وابسته به مرد، یعنی یک جنس برتر تعریف میکند. این انقلاب به فرودستی زنان در همه ابعاد قانونی و فرهنگی باید پایان دهد.

ما اعلام میکنیم که:

دوره چهارچوبهای ملی- اسلامی با این انقلاب زیر و رو کنند در ایران، به سر رسیده است. زنان ایران وارد شاهراه آزادی و مدرنیته، شاهراه قطع دست مذهب از زندگیشان، شاهراه احترام به حقوق انسانی و انسانیت خود شده و به جنبشی جهانی پیوسته اند که سالهای سال است علیه دخالت مذهب در زندگی زنان و علیه همه قوانین مردسالار و ضد زن دردتیا، مبارزه میکند. فرمان انقلاب ما در ایران اینست: قید و بندها را در هم بشکنید، هیچ مقدساتی مهمتر از حرمت انسان و آزادی و برابری زن و مرد نیست. هیچ امری مقدس تر از این نیست که زن انسان است و در مورد زندگی، عواطف و احساسات و روابط جنسی و عاطفی خود، در مورد روابط و فعالیتتهای فردی و سیاسی و اجتماعی خود، خودش تصمیم میگیرد و نه مردان و نه آخوند پوسیده محله و نه دولت و

مجازات و با سنگسار پاسخ میگیرد.

زنان آزاده ایران!

اگر در مقابل ما حکومتی ضد زن، عصاره و چکیده قرون وسطایی گری و فرهنگ دوران توحش در قرن بیست و یکم را نمایندگی میکند، اگر حکومت اسلامی در طول سی سال، ما را تحقیر و زندانی و شکنجه و سنگسار کرد، در مقابل این جرثومه فساد و تحجر، جنبشی عظیم علیه اینها شکل گرفته است که میخواهد از هر نوع قید و بند قانونی و فرهنگ و سیاست نابرابر آزاد شود. جنبشی مدرن و برابری طلب و منفک از همه قوانین و سنتهای پوسیده اسلامی و یا ملی - اسلامی!

شما زنانی که در صف اول اعتراضات می جنگید و قربانی میدید، خواهان آزادی، برابری، رفاه و همه حقوق انسانی خود هستید. شما رو به آینده دارید و نه گذشته، شما همه آزادی را میخواهید و نه قوانین سر و دم بریده دوران دیکتاتور قبلی و نه حقوق زن در چهارچوب اسلام "رام شده" و "زن فرمانبر پارسا"! این انقلاب پاسخ

مبارزات، قهرمانانه می رزمند. اینها زنان و دخترانی هستند که روزانه در حال نبرد با تار عنکبوتی هستند که به دست و پای آنها بسته شده است. به دلیل زن بودن، در خانه، مدرسه، دانشگاه، در خیابان و محیط کار، در سطح قوانین و مقررات دولتی و در رسانه های حکومتی، تحقیر میشوند. زنان برای رهایی از این بی حقوقی مطلق در حال نبرد با حکومتی اسلامی هستند که نمونه بارز ضد زن بودن و فاشیست بودن از نوع اسلامی آن است. جدا سازی زن و مرد در جامعه، و تحمیل آپارتاید جنسی علیه زنان، قانون اساسی مملکت است. تحمیل حجاب به زنان به ضرب کتک زدن و شلاق و اسیدپاشی و حتی اعدام زنان، یک روش مهم سرکوب زنان توسط جلدان اسلامی بوده و هست.

قانون اساسی حکومت اسلامی به تمکین کشاندن زنان و محو کردن فردیت، احساسات و عواطف زنان و تبدیل کردن آنها به اشباحی است که به میل آخوند مذکر و هوسران و هم پالگی های اینها، باید بسوزد و بسازد و خدمات جنسی بدهد. هر نوع ابراز نظر و یا ابراز احساسات فردی زن، با اشد

نیروی سرکوبگر میخواهند حجاب را به ما حقت کنند و نتوانستند، امروز نوبت ما است که اعلام کنیم، نه به حجاب اسلامی، نه به حکومت اسلامی، نه به زن ستیزی اسلامی، نه به هر نوع جدا سازی ملی و مذهبی!

مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار سخنگوی علیه تبعیض "سازمان دفاع از حقوق زن"

۷ ژانویه ۲۰۰۹

www.minaahadi.com
<http://www.equal-rights-now.com/Index-farsi.html>
minaahadi@aol.com

آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

تلفن:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی!

اعلام تشکیل کانون دور انداختن حجاب اجباری!

بدین وسیله همه زنان و مردان سازش ناپذیر، آزادیخواه و مبارز، برابری طلب و مدرنیست را که علیه نظام جمهوری اسلامی مبارزه میکنند به محلق شدن در کانون دور انداختن حجاب اجباری فرامیخوانیم. هدف از تشکیل این کانون به قرار زیر است:

۱. ما معتقدیم که رژیم جمهوری اسلامی باید سرنگون بشود. این رژیم باید به اسم آزادی، حرمت زن و شان همه انسانها برود.

۲. ما معتقدیم که سرنگون کردن جمهوری اسلامی بدون تعیین تکلیف با مسئله خشونت و ستم بر زن محال است. چون نماد این حکومت، سی سال زن ستیزی، خشونت و تحقیر میلیونها زن در این مملکت است. مبارزه رهاییبخش مردم ایران علیه حاکمیت این رژیم فقط میتواند یک مبارزه مساوات طلبانه، مدرن، پیشرو، و مبارزه ای بر ضد ستمهای اسلامی باشد. این تنها مبارزه ای است که حمایت مردم دنیا را بد نبال خواهد داشت.

۳- ما معتقدیم که مقابله با حجاب اجباری، نوک حمله مبارزه علیه خشونت به زن است. تاریخ تولد حجاب اجباری در ایران تاریخ از گور بیرون آمدن حکومت خمینی میباشد. حجاب سمبل اسلامی بودن این دیکتاتوری هار در ایران است. مظهر تحقیر و خشونت به زن است. حجاب زندان زن است. حجاب علامت به گروگان گرفتن یک مملکت هفتاد میلیونی و تبدیل آن به یک زندان سیاه زنانه/مردانه است. حجاب را هرگز زنان ایران داوطلبانه به عنوان پوشش خود برنگزیدند. بر عکس! میلیونها زن در طول این سی سال جنگیدند. هیچگاه مردم ایران به حجاب اجباری تن ندادند.

۴. تحمیل حجاب کودک از نظر ما عین خشونت و بربریت است. حجاب کودک ولو با ترفند "اختیاری" باید به عنوان مظهر خشونت به کودک در همه جای دنیا غیر قانونی و قدغن اعلام بشود. کودک مذهب ندارد. جشن تکلیف دختران خردسال در ایران مظهر خشونت اسلامی بر علیه کودکان است. احدی نباید اجازه داشته باشد تحت هیچ شرایطی بر سر کودکان حجاب کرده و باعث آزار جسمی و روحی کودک و مانع پرورش وی بشود.

۵. جنبش مقابله با حجاب

"زن" ایران نیست. در جامعه ای که دولت حاکم از مردان، تصویر دیوهای درنده خو و عقب مانده میدهد. در جامعه ای که دولت آن فقط و تنها به این اعتبار و از قبل تحقیر خود مردان برای پیچیدن زن در اختناق حجاب مشروعیت میگیرد، زن و مرد هر دو هتک حرمت شده اند. در جامعه ای که در آن زن تحقیر میشود، عشق وجود ندارد! در جامعه ای که در آن زن از مرد جدا میشود، خوشبختی به پستو میروید. از نظر ما جامعه ای آزاد و خوشبخت است که در آن زن و



مرد هر دواز حق و حرمت برابر برخوردارباشند. آزادی زن، معیار آزادی جامعه است. لذا به عقیده ما جنبش مقابله با حجاب اجباری به هیچ عنوان جنبشی نیست فقط مربوط به زنان. معترضین به اختناق حجاب، همه انسانهای این مملکتند، صرف نظر از جنسیتشان!

۷. با آتش زدن عکس خمینی در ایران و تعرض بحق مردم در تظاهراتهای عاشورا شکن امسال، حکومت جمهوری اسلامی به لزش مرگ افتاده است. هر لحظه منتظرند که حجابها در تهران، شیراز و اصفهان و تبریز و... به آتش کشیده شود. برای حکومت خامنه ای همانقدر خمینی سمبل تروریسم اسلامی است که حجاب اجباری! برای همین پیش پیشگی به همدیگر

نان قرض میدهند. یکی دشنه های از نفس افتاده اش را به رخ میکشد، یکی مردم را نصیحت میکند تا حکومت را دلداری داده باشد. جواب ما این است که حجاب بی حجاب!

ما حجابها را به دورمی اندازیم و به آتش میکشیم! ما به کلیه ستمهای این حکومت تعرض میکنیم. مردم ایران پلهای پشت سر خود را خراب کرده اند، مردم باید پیشروی و تعرض کنند، یا در صورت توقف و تحمیل سازش، خیزش برحق آنها را در خون برپادارندگانشان خفه میکنند. به نظر ما این حکومت قدرت سرکوب و خفه کردن مردم را از دست داده است. به نظر ما این جنبش ملی/مذهبی نیز قدرت به کجراه بردن و کنترل مبارزه مردم را از دست داده است. برای همین بازنده های سیاسی به تدریج کنار هم ردیف میشوند. در مقابل اما، مردم ایران با وجود سرکوب، با وجود کهریزک، قهرمانانه به خیابان آمده و تصمیم گرفته اند پیروز بشوند. سوزاندن حجابها یک قدمی پیروزی مردم، برچیدن بساط این حکومت، دستگیر کردن خامنه ای و احمدی نژاد و خلاص شدن از شر این حکومت قتل و جنایت و زن ستیزی است.

۸. کم کردن هزینه مردم در پروسه انداختن نظام تنها از طریق قویتر کردن مبارزه خود این مردم ممکن است. هر گونه راه حلی دیگری که به بهانه "کم کردن هزینه" دنبال بند و بست باشد از جانب ما و مردم دست رد میخورد. از نظر ما مبارزه مردم ایران باید آنقدر نیرومند شود که هیچ نیرویی نتواند و حتی جرئت نکند علیه آن وارد میدان مبارزه شود. لذا ما معتقدیم که یکی از راه های قویتر کردن مبارزه مردم، جلب حمایت مردم شریف و بشریت متمدن در سراسر جهان و از جمله در کشورهای غربی

میباشد. بر ای جلب حمایت و سمپاتی بین المللی از مبارزات قهرمانانه مردم ایران ارائه تصویر مدرن، غیرمذهبی، زنانه، مترقی و پیشرو از این مبارزه حیاتی ترین روش است. نتیجه سی سال حکومت اسلام در ایران و رشد جنبشهای اسلامی، تثبیت تصویر خشن، ضد زن و عقب مانده و تروریستی از این جنبش سیاه در میان مردم غرب میباشد. بشریت متمدن در غرب از جنبشهای آلوده به اسلام در منطقه خاورمیانه ترس دارد و از آن نگران میشود. لذا هر چقدر مردم ایران تلاش کنند تصویری مدرن، برابری طلب، ضد خشونت به زن و انسان، ضد ستمهای اسلامی و تروریستی از مبارزه خود ارائه بدهند، حمایت هر چه وسیعتر بشریت متمدن غرب را بخود جلب میکنند و این حمایت، چتر حفاظتی قوی و سیاسی بالای سر این مردم خواهد شد.

۹. این تنها حکومت نیست که با جنبش مقابله با حجاب درافتاده است. ما از روزی که علیه فرمان خمینی به خیابان رفتیم هم باید علیه حکومت خمینی میجنگیدیم، هم باید با تفرکات و سیاستهای واپسگرایی جریانات مختلف جنبش ملی/اسلامی در می افتادیم. آنها که اسید و دشنه در دستهایشان بود حسابشان روشن بود، اینها که به اسم "روشنفکر" دکان سیاسی باز کرده بودند، وضعشان روشن نبود. اینها همیشه یک انگشت سیاه را به طرف همان دشنه ها داشتند، یک انگشت سیاه را به طرف ما که مبادا تند روی بکنیم. سال ۵۷ ما را با ادبیات آخوندی آن موقع خود "طاغوتی" نامیدند، سال ۸۸ ادیبانشان "نواندیشان" است و لذا ما را "تندرو" خطاب میکنند. در حالی که عقب مانده ترین و واپسگراترین قشریون ملی/

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!